

علل و تعیین‌کننده‌های مهاجرت برگشتی در ایران طی دوره ۹۰-۱۳۸۵

رضا نوبخت*، علی قاسمی اردهایی*، ولی الله رستمعلی زاده***

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۶/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۹/۱۳)

چکیده

مهاجرت برگشتی یکی از الگوهای مهاجرت است که کمتر در مطالعات به آن توجه شده است. افزایش درصد مهاجرت‌های شهر به روستا در سالهای اخیر می‌تواند نشانگر تغییر الگوهای مهاجرتی در ایران باشد. هدف از مقاله حاضر اندازه‌گیری مهاجرت برگشتی بر اساس داده‌های موجود و شناخت عوامل موثر بر آن است. در این مطالعه از رویکرد اقتصاد نئوکلاسیک جهت تحلیل و تبیین مهاجرت برگشتی و علل آن در مناطق مختلف به کار گرفته شد. روش تحقیق مورد استفاده تحلیل داده‌های ثانویه داده-های خرد ۲ درصد مرکز آمار ایران است. نتایج نشان داد که بازگشت مهاجران در برخی استانها مانند خراسان رضوی، فارس، گیلان و مازندران بیشتر از استانهای دیگر بوده است. پیروی از خانوار، دستیابی به مسکن بهتر و اشتغال از عوامل تعیین‌کننده در بازگشت مهاجران به مبدأ مهاجرت‌شان بوده است. دستیابی به مسکن بهتر یکی از دلایل بازگشت مهاجران است که در طبقات و متغیرهای مختلف تاثیرگذار است و در تمامی طبقات شغلی مختلف (کارفرما، کارکن مستقل، مزد بگیر بخش خصوصی) مشاهده می‌گردد. الگوی بازگشت مهاجران نشان‌دهنده بازگشت به استانهای همسایه، مناطق برخوردار و نیمه برخوردار است. نتایج تحلیل چندمتغیره نشان داد که متغیرهای جنس، تحصیلات، سن، جریان مهاجرت و سطح توسعه‌یافتگی، ۲۷ درصد از تغییرات مهاجرت اقتصادی را برای مهاجران برگشتی سرپرست خانوار تبیین می‌کند.

واژگان کلیدی: مهاجرت برگشتی، علل بازگشت مهاجران، مهاجرت به مبدأ، مبدأ مهاجران برگشتی،

ایران

* دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران، عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور rznobakht@gmail.com

** استادیار جمعیت‌شناسی، گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور ghasemi33@yahoo.com

*** استادیار گروه مهاجرت داخلی و شهرنشینی، موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور،

vali.rostamalizadeh@psri.ac.ir

v.rostamalizadeh@gmail.com

مقدمه

نقل و انتقالات سکونتی انسان از مکانی به مکان دیگر پدیده مهاجرت را به عنوان یکی از پدیده‌های جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی مطرح می‌سازد. «مهاجرت، شکلی از تحرک جغرافیایی یا تحرک مکانی انسانها بین دو واحد جغرافیایی است و این جابجایی می‌تواند دائمی یا تقریباً دائمی باشد» (زنجانی، ۱۳۷۸: ۲۱۲). مهاجرت بازگشتی نوعی از مهاجرت موقتی است که شخص یا اشخاص مورد نظر، قصد بازگشت به مبدأ خود را دارند و وضعیتی را بیان می‌کند که شخص مهاجر با تمایل خود و بویژه بعد از مدت زمان مشخص به مبدأ باز می‌گردد (داستمن^۱ و وایس^۲، ۲۰۰۷: ۳).

اگرچه راونشتاین^۳ (۱۸۸۵) در قوانین مهاجرت به اصل مهاجرت برگشتی توجه نموده و بیان می‌کند هر جریان مهاجرتی بوسیله یک ضد جریان جبران می‌گردد، اما توجه به این مدل مهاجرتی نسبت به مدل‌های دیگر در سطح بین‌المللی ناچیز بوده است. مانگلام^۴ (۱۹۶۸) بیان می‌کند از ۲۰۵۱ عنوان مطالعه انجام شده در حوزه مهاجرت تنها ۱۰ عنوان به مهاجرت برگشتی اختصاص یافته است. در سالهای اخیر توجه به این نوع مهاجرت در مطالعات انسان‌شناسی، جمعیت‌شناسی و جامعه‌شناسی افزایش داشته است. شکل‌گیری شهری شدن گسترده در اکثر نقاط دنیا که منجر به شکل‌گیری چارچوب تحلیلی روستا-شهری شده یکی از دلایل توجه ناچیز به اشکال دیگر مهاجرت از جمله مهاجرت‌های معکوس و برگشتی است. علاوه بر کم توجهی محققان حوزه مهاجرت به این نوع مهاجرت، کم توجهی به مهاجرت برگشتی به این بر می‌گردد که به ندرت برخی ابعاد آن قابل اندازه‌گیری و قابل مقایسه است و از طرفی نبود داده‌های کمی در سطح کلان در این حوزه نیز تاثیر گذار است (کاسارینو^۵، ۲۰۰۴: ۲۵۳). از دهه ۱۹۷۰ تا دهه اول قرن بیست و یک، توجه کمی به این موضوع شده است اما در دهه اول قرن بیست و یک، مطالعات چندینی در این حوزه انجام گرفت و به نظر می‌رسد توانسته خود را به عنوان یک بخش مطالعاتی در حوزه مهاجرت

1- Dustmann

2- Weiss

3- Ravestain

4- Mangalam

5- Cassarino

معرفی نماید. با کاهش میزان تاثیر گذاری متغیر های باروری و مرگ و میر (۲۵ درصد) در تغییرات جمعیتی ایران (قاسمی‌اردهایی و همکاران، ۱۳۸۷)، مهاجرت (با تاثیر ۳۳ درصدی) نقش تعیین کننده‌ای در پویایی جمعیت کشور ایفا نموده است. مطالعه پدیده مهاجرت در طی چند دهه اخیر در ایران، با تاکید بر مهاجرت های روستا-شهری، ویژگی و تاثیرات این نوع مهاجرت و علل و عوامل تاثیر گذار در شکل‌گیری آن بوده است.

نتایج سرشماری ۱۳۹۰، بیان کننده این واقعیت است که روند مهاجرت های روستا به شهر در طول ۳۵ سال اخیر دارای نظمی نزولی بوده است. به ویژه اینکه در سرشماری ۱۳۹۰ درصد مهاجرت های شهر - روستا (با فراوانی ۷۵۵۵۴۶ نفر) نسبت به روستا-شهر (با فراوانی ۶۵۵۲۵۱ نفر) بیشتر بدست آمده است. این وضعیت مهاجرتی در ایران، نشان دهنده شکل‌گیری نوع جدیدی از مهاجرت با عنوان مهاجرت معکوس است که مهاجرت برگشتی نقش مهمی در شکل‌گیری آن دارد. با وجود اهمیت و تاثیرگذاری مهاجرت برگشتی برای مبدا و مقصد، این موضوع در مطالعات داخلی کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته است. نوظهور بودن این شکل از مهاجرت در ایران، کمبود اطلاعات بویژه در سطح کل کشور و استانهای مختلف و مشکلات مربوط به دستیابی به این نوع مهاجران، را می‌توان از عوامل تاثیر گذار در عدم شکل‌گیری مطالعاتی بر این شکل از مهاجرت عنوان نمود. از این‌رو، انجام مطالعاتی که با شناسایی این نوع مهاجران و علت برگشت آنان همراه است، می‌تواند در برنامه ریزی و سیاست گذاری در مورد کاهش جریان های مهاجرتی به مادر شهر ها موثر بوده و از طرف دیگر، شناخت دلایل بازگشت افراد می‌تواند به پویایی محیط های شهری کوچک و روستاها کمک نماید.

مهاجرت بازگشتی به برگشت مردم به محل تولدشان اشاره دارد که با توجه به عمومیت جریان مهاجرتی روستا-شهر و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ، می‌تواند مهاجرت از شهرهای بزرگ به شهرهای کوچک و یا از شهرها به مناطق روستایی مرتبط گردد. عوامل جاذبه روستایی (ارزانی زمین و مسکن، زمین ارثی، هوای لطیف و پاکیزه، نبود مشکلات شهری) و دافعه شهری (گرانی زمین و مسکن، فشارهای روحی و روانی، نابرابری اجتماعی، آلودگی هوا) و توسعه شبکه حمل و نقل، موجبات تحرک مکانی بصورت مهاجرت بازگشتی را فراهم می‌کند. به نظر می‌رسد اگر شرایط به نحوی تغییر یابد که کیفیت زیست و امکانات در مبدأ (محل تولد) به همراه سطح درآمد ارتقا پیدا کنند، مسیر و جریان های مهاجرتی تغییر خواهد یافت.

چارچوب نظری

مهاجرت برگشتی به عنوان یک فرایند جزئی از مهاجرت، موضوع رویکردهای مختلفی است که مجموعه‌ای متضاد از دیدگاه‌ها را در بر می‌گیرد. این رویکردها شامل اقتصاد نئوکلاسیک، اقتصاد جدید مهاجرت نیروی کار، ساختارگرایی، فرامنطقه‌گرایی و تئوری شبکه اجتماعی است. در حالیکه رویکردهای تحقیقی به مهاجرت برگشتی را می‌توان در دهه ۱۹۶۰ پیگیری نمود، در دهه ۱۹۸۰ مباحث علمی گسترده‌ای در این حوزه شکل گرفت. سمینارها و تدوین مقالات، به توسعه ادبیات نظری و تجربی مهاجرت برگشتی و ارتباط آن با توسعه، بازگشت اختیاری به محل تولد و موضوعات مختلف دیگر کمک کرد.

رویکرد نئوکلاسیک به مهاجرت بر اساس تفاوت‌های دستمزد بین مناطق مهاجرفرست و مهاجرپذیر، بنیان گذاشته شده است. در این دیدگاه عامل اصلی مهاجرت، انتظارات و توقعات مهاجران جهت درآمد بالاتر، است (تودارو^۱، ۱۹۶۹: ۱۴۰). با توجه به این دو اصل، مهاجرت برگشتی را می‌توان نتیجه یک تجربه مهاجرتی ناموفق در نظر گرفت که در این فرایند مهاجر نتوانسته منافع مورد انتظار خود را به دست آورد. به عبارت دیگر، در موضع نئوکلاسیک، مهاجرت برگشتی منحصر به مهاجران کار بر می‌گردد که در محاسبه هزینه‌های مهاجرت اشتباه نموده و نتوانسته اند به درآمد بالایی دست یابند. از اینرو، بازگشت نتیجه تجربه ناموفق مهاجران در خارج از مبدأ و یا عدم پاداش کافی به سرمایه انسانی مهاجران دانست. در دیدگاه اقتصاد نئوکلاسیک، مهاجر فردی است که نه تنها بدنبال دستیابی به یک درآمد بالاتر است بلکه در طول مدت اقامت خود در منطقه دیگر، بدنبال دستیابی به اقامت دائم همراه با خانواده در آنجاست. در این چارچوب تحلیلی، بازگشت افراد بر اساس تجربه مهاجرتی ناموفق در زمینه درآمد مورد انتظار، شغل و استمرار این وضعیت تبیین می‌گردد (کاسارینو^۲، ۲۰۰۴: ۲۵۵).

برعکس رویکرد نئوکلاسیک، در دیدگاه اقتصاد جدید، مهاجرت برگشتی به عنوان نتیجه منطقی یک استراتژی حساب شده است که آن را باید در سطح خانواده مهاجران تعریف نمود

1- Todaro

2- Cassarino

و بر این اساس این نوع مهاجرت در دستیابی به اهداف مورد نظر موفق بوده است. استارک^۱ (۱۹۹۱: ۲۶) چنین بحث می‌کند که در رویکرد اقتصاد جدید، تمرکز تئوری مهاجرت از سطح استقلال فردی به سمت وابستگی چند جانبه تغییر جهت می‌دهد. در این رویکرد، بازگشت به عنوان نتیجه طبیعی یک تجربه موفق در خارج از محل تولد است که مهاجران در آن به اهداف مورد نظر خود (درآمد بالا، پس انداز مناسب) می‌رسند. در حالیکه به طور طبیعی بخشی از درآمد برای خانواده ارسال می‌گردد، این وجوه ارسالی بخشی از یک استراتژی هدفمند جهت تنوع منابع درآمدی خانوار است که بر اساس آن برخی از کمبودها مانند عدم وجود یک بازار کار مطمئن در مبدأ را جبران می‌کند. این وضعیت یک عامل تبیینی مهم در تصمیم برگشت مهاجران است که با دلبستگی خانواده در منطقه مبدأ همراه است.

در رویکرد ساختاری، بازگشت، منحصراً با توجه به تجربه فردی مهاجر تحلیل نمی‌گردد بلکه عوامل اجتماعی و نهادی مبدأ نیز مورد توجه است. شکست یا موفقیت بازگشت بر اساس همبستگی بین واقعیت اقتصادی و اجتماعی جامعه مبدأ با انتظارات مراجعه کننده تحلیل می‌گردد (کاسارینو، ۲۰۰۴). کرایز^۲ (۱۹۷۴: ۲۵۴) به چهار نوع بازگشت با تاکید بر آرزوها، انتظارات و نیازهای مهاجران اشاره می‌کند. بازگشت ناموفق در مورد مراجعه کنندگانی مصداق دارد که بدلیل نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی در جامعه مقصد ادغام نگردیده‌اند و انگیزه کافی برای بازگشت را فراهم نموده است.

تئوری شبکه اجتماعی، مهاجران برگشتی را به عنوان حاملان منابع محسوس و غیر محسوس در نظر می‌گیرد. همچنین در رویکرد تئوری شبکه نیز مهاجران برگشتی، مهاجرانی هستند که پیوندهای قوی خود را با مکان سابق حفظ نموده اند. ارتباطات مداوم، کمک‌های اجتماعی و اقتصادی از عوامل اثرگذار در ترغیب مهاجران برای بازگشت به مبدأ باشد. علاوه بر این، الگوهای روابط متقابل بین فردی که ممکن است از تجربه گذشته مراجعه کنندگان حاصل شود، از منابع اصلی بازگشت مهاجران تلقی می‌گردد (اکلند و نوهریا،^۳ ۱۹۹۲).

1- Stark.O

2- Cerase.F.P

3- Okland and Noheria

پیشینه تحقیق

موضوع مهاجرت برگشتی در ایران بدلیل نو ظهور بودن آن از غنای تحقیقی برخوردار نیست و مطالعات اندکی در این حوزه از مهاجرت انجام پذیرفته است. راغفر و قاسمی-اردهایی (۱۳۸۸) علل مهاجرت و ویژگی‌های جمعیتی - اقتصادی مهاجران بین شهرستانی را با مطالعه تطبیقی مهاجران شهر به روستا و روستا به شهر ایران طی دهه‌ی ۸۵-۱۳۷۵ بررسی کرده‌اند و نشان دادند در ترکیب سنی و جنسی، علل مهاجرت و ویژگی‌های جمعیتی - اقتصادی یاد شده، تفاوت معنی‌داری بین مهاجران روستا-شهر و شهر-روستا وجود دارد. خدمت نظام وظیفه و پایان یافتن آن و پایان تحصیل (علل اجباری) در مهاجرت‌های شهر به روستا بیشتر از روستا به شهر بوده و در علت‌های جستجوی کار، جستجوی کار بهتر، انتقال شغلی و تحصیل (علل اختیاری)، درصدهای بدست آمده برای مهاجران روستا به شهر بیشتر از شهر به روستا بوده است. مظاهری (۱۳۹۰) در بررسی تأثیرات متقابل فضایی کلانشهر تبریز و روستاهای خوابگاهی پیرامون آن نشان داد تأمین زمین و مسکن ارزان و نزدیکی به محل کار و فعالیت، تأثیر بیشتری از سایر عوامل در مهاجرت برگشتی داشته است. یافته‌های مطالعه ربانی و دیگران (۱۳۸۹) در بررسی علل و انگیزه‌های مهاجرت معکوس بیان کننده این است که ارتباط مثبت و معناداری بین تعلق بومی و درآمد با انگیزه مهاجرت معکوس و رابطه منفی معنادار با بعد مسافت و انگیزه مهاجرت معکوس وجود دارد. در این مطالعه رابطه بین انگیزه مهاجرت معکوس و توسعه اقتصادی و اجتماعی نیز مثبت و معنادار می‌باشد.

نتایج تحقیق توصیفی - تحلیلی مطیع لنگرودی و همکاران (۱۳۹۰) با عنوان «تأثیر بازگشت مهاجران به روستاها در بهبود معیشت ساکنان» بیان کننده این است که مهاجرت موقت نیروی جوان روستایی، مهم‌ترین راهبرد به کار رفته برای اداره زندگی بوده است و پس از کسب مهارت و بازگشت به نواحی روستایی، تفاوت چشمگیری در سرمایه‌های انسانی، مالی، فیزیکی، اجتماعی و طبیعی افراد بازگشته رخ داده است. مهم‌ترین پیامدهای این نوع از مهاجرت کسب درآمد بیشتر، افزایش رفاه زیستی، کاهش آسیب پذیری، بهبود امنیت غذایی، بهبود شأن و منزلت انسانی برای مهاجران بازگشته به روستاها بوده است.

مهاجرت برگشتی با عنایت به سابقه طولانی‌تر در کشورهای دیگر، از جنبه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد توجه قرار گرفته است. در این مطالعات، علل بازگشت و

علل و تعیین‌کننده‌های مهاجرت برگشتی در ایران ۱۸۹

نیز تأثیرات آن در جوامع مبدأ مور توجه قرار گرفته است. نیوبولد و لیو^۱ (۱۹۹۴) مهاجرت برگشتی و رو به جلو را در زمان رکود و رونق اقتصادی^۲ در ایالت های کانادا بین سالهای ۸۱-۱۹۷۶ و ۸۶-۱۹۸۱ مورد مطالعه قرار داده‌اند. یافته‌های مطالعه بیان می‌کند که در شرایط رکود اقتصادی، مهاجرت‌های برگشتی افزایش معنی‌داری می‌یابد زیرا که این حرکات به متغیرهای اقتصادی به شیوه‌ای عقلانی پاسخ می‌دهند.

یافته های مطالعه مارتین^۳ و رادو^۴ (۲۰۱۲) از مهاجرت برگشتی در شرق اروپا نشان می‌دهد تفاوت میانگین درآمد در مبدأ و مقصد مهمترین دلیل مهاجرت اولیه مهاجران بوده و افزایش احتمال بیکاری بویژه در سال اول بازگشت مهاجران را محتمل‌تر می‌کند. یاهپرون^۵ (۲۰۱۲) مهاجرت برگشتی را در میان مهاجران سالمند آلمانی مورد بررسی قرار داده است. وی بیان می‌کند که مهاجرت برگشتی در سال‌های پایانی زندگی به مجموعه‌ای از شرایط کاملاً متفاوت از شرایط بستگی دارد که با مهاجرت برگشتی در سالهای ابتدایی زندگی متفاوت است. در این مطالعه عدم تجانس مهاجران سالمند و فاکتورهای انگیزشی برگشت آنها به خانه برجسته شده است.

کنستانت^۶ و مسی^۷ (۲۰۰۲) با توجه به دو نظریه اقتصاد نئوکلاسیک و اقتصاد جدید، مهاجرت برگشتی کارگران در آلمان تحلیل نموده‌اند. بر اساس دو رویکرد مورد نظر، دو مدل مختلف از مهاجرت برگشتی مفهوم سازی شد. نتایج نشان داد که یک فرایند واحد را نمی‌توان برای مهاجرت برگشتی در نظر گرفت بلکه این یک فرایند چند بعدی است و چندین فرایند را برای آن می‌بایست در نظر گرفت. آقاجانیان^۸، گورینا^۹ و منجیوار^{۱۰} (۲۰۱۴) به مفاهیمی الحاق اقتصادی^{۱۱}، ظرفیت شهری^{۱۲} و روابط اجتماعی به عنوان عواملی در برگشت به خانه

1- K.L.Liaw

2- Economic Boom and Bust

3- R.Martin

4- D.Rudo

5- J.J.Yhairun

6- A.Constant

7- D.S.Massey

8- V.Agadjanian

9- E.Gorina

10- C.Menjivar

11- Economic Incorporation

12- Civil Inclusion

اشاره دارند. چارچوب مفهومی مورد استفاده در این مطالعه از سه فاکتور و عامل پیوستگی مهاجران با مقصد استفاده نموده است (پیوستگی اقتصادی، ظرفیت شهری و روابط اجتماعی). نتایج تحلیل چند متغیره بر اهمیت بخش و نوع شغل، درآمد، وضعیت با پایگاه قانونی، تجربه تعرض قومی و روابط اجتماعی با دوستان و خویشان در مقصد، برنامه‌های مهاجران برای برگشت را شکل می‌دهد. در مقابل، روابط با محل تولد در احتمال بازگشت به مبدا تأثیر معناداری نداشته است.

قومیت، فرهنگ و استاندارد زندگی از دیگر مفاهیم و متغیرهایی است که در مطالعات مهاجرت برگشتی، از برجستگی خاصی برخوردار است و توجه برخی اندیشمندان را به خود جلب نموده است. آنیسته^۱ و تامارو^۲ (۲۰۱۴) تأثیر قومیت به عنوان یک متغیر مستقل را بر سطوح ادغام و تمایلات به مهاجرت برگشتی در فنلاند مورد بررسی قرار می‌دهند. تمایل مهاجران برای ماندن در مقصد و یا بازگشت به مبدا تا حدود زیادی به تعادل بین میزان ادغام در جامعه مقصد و سطوح وابستگی و پیوستگی افراد مهاجر به مبدا ارتباط دارد. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که تمایل به بازگشت در گروه‌های مختلف قومی متفاوت است و اینکه نمی‌توان بین انطباق و مهاجرت برگشتی، یک رابطه منفی آشکار را پیش بینی نمود. این امکان وجود دارد که با وجود انطباق یک فرد در جامعه مقصد، تمایل به بازگشت نیز وجود داشته باشد، حتی زمانی که مهاجر به خوبی در مقصد ادغام شده است.

کولو^۳ (۱۹۹۸) با استفاده از تئوری ساختارگرایی، مهاجرت برگشتی را به عنوان یک هنجار رفتاری دگرگون شده، و رشد یافته در درون یک اقلیت قومی خارج از سرزمین مادری تحلیل می‌کند. نتایج بدست آمده بر این دلالت دارد که مهاجرت برگشتی قومی برای یک دوره طولانی، نه مستقیم و نه غیر مستقیم، به تغییرات محیطی زودگذر وابسته نبوده است بلکه بیشتر بر تغییرات در ارزشها، عادت ها و هویت افراد وابسته است و در مورد اقلیت قومی که در سرزمین غیر مادری زندگی می‌کند از یک نسل تا نسل دیگر متفاوت است.

مرور ادبیات تئوریک و تجربی در مورد مفهوم مهاجرت برگشتی بیان کننده این است که تفاسیر و تبیین ها متفاوت و مختلف است. در برخی دیدگاه ها مانند تئوری اقتصاد

1- K.Anniste

2- T.Tammaru

3- H.Kulu

نئوکلاسیک، بازگشت مهاجران نتیجه تجربه ناموفق آنها قلمداد می‌شود در حالیکه تئوری اقتصاد جدید، بازگشت را نتیجه استراتژی های خانوار می‌داند که لزوماً بدلیل تجربه اقامتی نبوده است. بازگشت در رویکرد ساختاری، تحت تاثیر عوامل نهادی و اجتماعی در مبدا و مقصد است. تئوری شبکه های مهاجران پیوند قوی و همبستگی بالای بین مهاجران و مبدا را از مهمترین عوامل بازگشت مهاجران می‌داند. در ادبیات تجربی نیز، اگرچه مفاهیمی مانند انطباق مجدد در مبدا، عوامل فرهنگی و قومیتی موثر در بازگشت مورد توجه قرار گرفته است اما بررسی و مطالعه نقش رکود و رونق اقتصادی مبدا و مقصد و نقش عوامل اقتصادی در بازگشت بیشترین توجه تحقیقی را به خود داشته است.

روش تحقیق و داده‌ها

روش مطالعه حاضر، تحلیل ثانویه داده‌های سرشماری نفوس مسکن ۱۳۹۰ است. بر اساس داده‌های خرد دو درصدی سرشماری ارائه شده توسط مرکز آمار ایران، در سال ۱۳۹۰، تعداد ۶۲۱۴۶ نفر در پنج سال گذشته محل زندگی خود را تغییر داده‌اند که ما با عنوان مهاجر آنها را تعریف می‌کنیم. از میان تعداد ذکر شده، ۱۹۸۹۸ نفر را مهاجرانی شامل می‌شوند که تغییر محل زندگی آنها به سمت محل تولد بوده است. این تعداد افراد به عنوان مهاجر برگشتی معرفی می‌شوند. مهاجرت برگشتی، به مهاجرانی اطلاق می‌گردد که بعد از مهاجرت کردن، بار دیگر به محل اولیه و یا محل تولد خود باز می‌گردند. بنابراین مهاجران برگشتی به این صورت محاسبه شده است که در ابتدا افرادی که در سرشماری ۱۳۹۰ محل اقامت خود را تغییر داده‌اند به عنوان مهاجر از فایل اصلی جدا گردیده و سپس از میان این مهاجران افرادی که کد مکان یا محل مهاجرت آنان با کد محل تولد آنان یکسان است، به عنوان مهاجر برگشتی انتخاب شده‌اند و تحلیل‌های مورد نظر در مورد آنان انجام شده است. برون داد، داده‌های ۲٪ نشان می‌دهد که در سرشماری ۱۳۹۰، سهم مهاجران برگشتی از کل مهاجران، ۳۲٪ است. این آمار بیانگر شکل و الگوی جدیدی از مهاجرت است که موضوع را مهم و قابل بررسی می‌نماید. در جدول یک سهم هر یک از استانهای کشور از مهاجران برگشتی مشخص شده است. این تعداد مهاجر برگشتی مربوط به ۲۲ استان است و هشت استان تهران، اردبیل، قم، قزوین، گلستان، خراسان شمالی، خراسان جنوبی و البرز سهمی از مهاجران برگشتی نداشته است. از میان استان‌های

مختلف، استان خراسان رضوی (۱۲,۷)، فارس (۹,۳)، مازندران (۸,۵)، اصفهان (۸,۵)، گیلان (۷,۶)، خوزستان (۶,۶) و آذربایجان شرقی (۵,۷) به ترتیب دارای بالاترین درصد از مهاجران برگشتی بوده اند.

جدول ۱. سهم استانهای مختلف کشور از مهاجران برگشتی بر اساس داده های ۲٪ مرکز آمار ایران (٪)

استان	درصد	استان	درصد	استان	درصد
مرکزی	۲,۵	اصفهان	۸,۵	یزد	۲,۳
گیلان	۷,۶	سیستان و بلوچستان	۲,۶	هرمزگان	۱,۳
مازندران	۸,۵	کردستان	۳,۲	سمنان	۱,۲
آذربایجان شرقی	۵,۷	همدان	۳,۴		
آذربایجان غربی	۵,۶	چارمحال و بختیاری	۱,۷		
کرمانشاه	۳,۵	لرستان	۲,۴		
خوزستان	۶,۶	ایلام	۱,۳		
فارس	۹,۳	کهگلویه و بویر احمد	۱,۳		
کرمان	۴,۶	بوشهر	۲,۱		
خراسان رضوی	۱۲,۷	زنجان	۲,۲		
تعداد کل مهاجران	۶۲۱۴۲۸	تعداد کل مهاجران برگشتی	۱۹۸۹۸	سهم مهاجران برگشتی از کل مهاجران	۳,۲٪

مطالعه مهاجران برگشتی منوط به شناخت ویژگی های اقتصادی - اجتماعی و نیز جمعیت شناختی این گروه از مهاجران می باشد که بر این اساس شناخت بهتر و دقیق تر از علل برگشت و نیز عوامل موثر در آن حاصل می گردد. سن، جنس، وضعیت سواد، وضعیت زناشویی، تعداد فرزندان، نسل، سال برگشت، و علل برگشت از متغیرهای مورد مطالعه در این پژوهش می باشد.

یافته ها

در این مطالعه علل تغییر محل اقامت قبلی به عنوان علل بازگشت مهاجران به مبدا در نظر گرفته شده است. در جدول ۲، علل و عوامل تعیین کننده در مهاجرت و نیز در مهاجرت برگشتی مشخص شده است. از میان علل شکل گیری مهاجرت برگشتی، با در نظر نگرفتن مهاجران تبعی، پایان تحصیل (۱۴,۹٪) دستیابی به مسکن بهتر (۱۳,۳٪)، و

علل و تعیین‌کننده‌های مهاجرت برگشتی در ایران ۱۹۳

اشتغال (۱۰,۷٪) به ترتیب از مهمترین عوامل بوده است. در مقایسه با مهاجرت برگشتی، علل شکل‌گیری مهاجرت اولیه، با توجه به میزان و درجه اهمیت، تحصیل/خدمت (۱۹,۸٪)، اشتغال (۱۴,۹٪)، دستیابی به مسکن (۱۰,۶٪) می‌باشد. به نظر می‌رسد در شکل‌گیری مهاجرت برگشتی دستیابی به مسکن، نسبت به اشتغال از درجه اهمیت بیشتری برخوردار باشد و این در حالی است که در شکل‌گیری مهاجرت اولیه، اشتغال از اولویت بالاتری نسبت به مسکن برخوردار است که این موضوع با یافته‌های تحقیق راغفر و قاسمی اردهایی (۱۳۸۸) همخوانی دارد. در مورد تحصیل/خدمت و مهاجرت تبعی می‌توان چنین بیان کرد که در هر دو نوع مهاجرت به گونه ای یکسان است.

جدول ۲. توزیع درصدی عوامل تعیین‌کننده در مهاجرت و مهاجرت برگشتی کل کشور (به درصد)

مهاجران برگشتی *	اشتغال	پایان تحصیل/خدمت	دستیابی به مسکن	مهاجران تبعی	سایر	درصد کل	تعداد کل
مهاجران برگشتی *	۱۰,۷	۱۴,۹	۱۳,۳	۵۱,۱	۷,۴	۱۰۰	۱۹۸۹۸
کل مهاجران**	۱۴,۹	۱۹,۸	۱۰,۶	۴۶,۲	۶,۲	۱۰۰	۵۵۳۴۶۶۶

*منبع: داده‌های ۲٪ مرکز آمار ایران

**منبع: سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

علل مهاجرت و نیز مهاجرت برگشتی برای زنان و مردان متفاوت است. در مهاجرت برگشتی، علل بازگشت برای مردان پس از پیروی از خانوار با (۳۲,۶٪)، تحصیل/خدمت (۲۳,۴٪)، دستیابی به مسکن (۱۹٪) و اشتغال (۱۷,۵٪) از مهمترین عوامل است و برای زنان مهمترین عامل پیروی از خانوار (۷۶٪) و دستیابی به مسکن (۷٪) مهمترین عامل بوده است. در میان کل مهاجران، در سرشماری ۱۳۹۰، دلایل تحصیل/خدمت و پیروی از خانوار (نوعی مهاجرت اجباری) برای زنان بیشتر از مردان است و در سایر دلایل (از جمله دلایل مربوط به اشتغال) مردان درصد بیشتری نسبت به زنان دارند. مقایسه دو نوع مهاجرت بیان‌کننده این است که در مهاجرت برگشتی، دستیابی به مسکن برای

مردان از اهمیت بیشتری برخوردار است در حالی که در مهاجرت اولیه اشتغال از اهمیت بالاتری برخوردار است.

جدول ۳. توزیع نسبی مهاجران و مهاجران برگشتی بر حسب علل مهاجرت و جنس (%)

اشتغال	پایان تحصیل/خدمت	دستیابی به مسکن	پیروی از خانوار	سایر	درصد کل	کل
مهاجران برگشتی *						
مرد	۱۷,۵	۲۳,۴	۱۹,۰	۷,۵	۱۰۰	۱۰۵۹۰
زن	۳,۱	۵,۶	۷,۳	۷,۶	۱۰۰	۸۸۰۲
کل مهاجران**						
مرد	۲۵,۲	۲۴,۸	۱۵,۳	۶,۵	۱۰۰	۲۹۰۸۵۶۰
زن	۳,۵	۱۴,۲	۵,۴	۵,۹	۱۰۰	۲۶۲۶۱۰۶

*منبع: داده های ۲٪ مرکز آمار ایران

**منبع: سرشماری های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

در رویکرد چرخه زندگی این تفکر وجود دارد که مهاجرت در مقطع های سنی خاصی در زندگی افراد اتفاق افتاده و هریک از این مهاجران با توجه به مقطع های سنی خویش، دلایل متفاوتی برای رفتار مهاجرتی شان دارند. در جدول ۴ علل مهاجرت و نیز مهاجرت برگشتی براساس گروه های سنی مهاجران ارایه شده است. برای مهاجران برگشتی، علت اساسی بازگشت در گروه سنی ۱۵ ساله و کمتر، پیروی از خانوار (۹۰,۵) است. در گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ ساله، به ترتیب پیروی از خانوار (۴۴,۲٪)، تحصیل و خدمت (۴۰,۳٪) دستیابی به مسکن (۶,۷٪) و سپس اشتغال (۴٪) از مهمترین عوامل بازگشت بوده است. به نظر می رسد همه گیر شدن تحصیلات دانشگاهی در کشور یکی از مهمترین عوامل خروج افراد در این گره سنی از محل تولد خود بوده که پس از اتمام تحصیل به محل اولیه زندگی بازگشته اند.

در گروه سنی ۲۵ تا ۳۲ سال، درصد قابل توجهی از افراد به علت اشتغال (۱۷,۴) و مسکن (۱۷,۹٪) بازگشته اند. به نظر می رسد شکل گیری الگوی مهاجرت برگشتی برای بخش قابل توجهی از این گروه سنی، این باشد که مهاجرت اولیه نتوانسته انتظارات

علل و تعیین‌کننده‌های مهاجرت برگشتی در ایران ۱۹۵

افراد در این حوزه را تامین نماید. تاثیرگذاری اشتغال و مسکن در بازگشت مهاجران، در گروه سنی ۳۳ تا ۴۴ ساله، نسبت به گروه‌های سنی دیگر واضح‌تر می‌باشد. در این گروه سنی تقریباً ۲۳٪ درصد از افراد با توجه به مساله اشتغال (در جستجوی کار، در جستجوی کار بهتر) و ۲۸٪ از افراد به دلیل دستیابی به مسکن به محل تولد خود بازگشته‌اند.

در گروه سنی ۶۵ ساله و بالاتر دستیابی به مسکن و پیروی از خانوار (تقریباً ۳۰٪) مهمترین عوامل برای برگشت به مبدا بوده است. به نظر می‌رسد بالا بودن هزینه مسکن در مناطق مقصد اولیه و نیز داشتن مسکن در مبدا و پایین بودن هزینه مسکن از جمله عوامل جهت دهنده به بازگشت افراد در سنین بازنشستگی است. در دو گروه سنی ۲۵ تا ۳۲ ساله و ۳۳ تا ۴۴ ساله، اشتغال و دستیابی به مسکن از مهمترین عوامل مرتبط با بازگشت مهاجرین بوده است. تحصیلات و پیروی از خانوار در دو گروه اول، نقش بسزایی در بازگشت مهاجران دارد.

نتایج جدول برای مهاجران دیگر نشان می‌دهد دلیل مهاجرت زیر ده ساله‌ها تبعی بوده و به خاطر پیروی از خانوار اقدام (الزام) به مهاجرت کرده‌اند. در دامنه سنی ۱۵ الی ۲۴ ساله، تحصیل به عنوان یکی از عوامل مؤثر در مهاجرت افراد شناخته شده است. در گروه سنی ۲۵ تا ۴۴ ساله، اشتغال از مهمترین دلایل مهاجرت بوده است. نکته قابل توجه در گروه سنی ۴۵ تا ۹۰ ساله این موضوع است که بخش قابل توجهی از افراد در این گروه سنی (۲۰,۷٪) به دلیل موضوع اشتغال مهاجرت نموده‌اند. در حالیکه برای مهاجران برگشتی در این گروه سنی، تنها ۵٪ از افراد به دلیل اشتغال به مبدا بازگشته‌اند. به نظر می‌رسد. همچنین اهمیت اشتغال در گروه سنی ۲۵-۳۲ ساله، برای مهاجران برگشتی نسبت به مهاجران کل، کمتر است. در گروه سنی ۴۵-۹۲ ساله، ۲۹,۸٪ از مهاجران برگشتی برای دستیابی به مسکن بازگشته‌اند و در میان مهاجران کل، ۲۶,۷٪ از افراد برای دسترسی به مسکن مناسب‌تر مهاجرت کرده‌اند. بنابراین می‌توان بیان نمود که دستیابی به مسکن در این گروه سنی، در هر دو نوع الگوی مهاجرت، تقریباً یکسان است. یاهیرون^۱ (۲۰۱۲) در ارتباط با مهاجران برگشتی در رده‌های سنی مختلف به این

1- Yahirun.J

موضوع اشاره دارد که بازگشت افراد در سنین بازنشستگی با افراد دیگر متفاوت است. نتایج حاصل از جدول ۴ نیز بیان کننده این است که بازگشت به دلیل دستیابی به مسکن در این گروه سنی نسبت به گروههای دیگر شدیدتر است. همچنین این مورد را می توان در مورد کل مهاجران نیز مشاهده نمود.

جدول ۴. توزیع سنی مهاجران و مهاجران برگشتی بر حسب علل مهاجرت و سن (%)

اشتغال	پایان تحصیل/خدمت	دستیابی به مسکن	پیروی از خانوار	سایر	کل
مهاجران برگشتی *					
۱۴ ساله و کمتر	۱,۰	۲,۰	۲,۶	۹۰,۵	۳,۸
۱۵-۲۴ ساله	۴,۰	۴۰,۳	۶,۷	۴۴,۲	۴,۸
۲۵-۳۲ ساله	۱۷,۴	۱۸,۲	۱۷,۹	۳۸,۹	۷,۶
۳۳-۴۴ ساله	۲۲,۹	۱,۶	۲۷,۹	۳۶,۴	۱۳,۱
۴۵-۶۵ ساله	۵,۴	۰,۰	۲۹,۸	۲۹,۳	۳۵,۵
کل مهاجران **					
۱۴ ساله و کمتر	۰,۹	۱,۸	۱,۷	۹۱,۹	۳,۷
۱۵-۲۴ ساله	۹,۴	۲۷,۳	۴,۹	۵۳,۴	۵,۱
۲۵-۳۲ ساله	۲۶,۶	۹,۴	۱۳,۶	۴۳,۷	۶,۷
۳۳-۴۴ ساله	۳۲,۳	۱,۸	۲۰,۹	۳۶,۲	۸,۹
۴۵-۶۵ ساله	۲۰,۷	۱,۰	۲۶,۷	۳۳,۴	۱۸,۱

*منبع: داده های ۲٪ مرکز آمار ایران

**منبع: سرشماری های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

در جدول ۵، مهاجران برگشتی بر اساس علل مهاجرت و متغیرهای اقتصادی-اجتماعی مشخص شده است. متغیر وضع سواد بیان می کند که ۱۲٪ از افراد باسواد به دلیل موضوع اشتغال، و تقریباً ۱۵ درصد نیز به دلیل دستیابی به مسکن به مبدا (محل تولد) بازگشته اند. در میان افراد بی سواد تقریباً ۱۱٪ به دلیل اشتغال و ۲۳٪ به دلیل دستیابی به مسکن بهتر بازگشته اند. به نظر می رسد، بازگشت به علت اشتغال در بین مهاجران باسواد و بی سواد تفاوتی ندارد اما دستیابی به مسکن بهتر، برای بازگشت افراد بی سواد تاثیرگذارتر بوده است. این بیان کننده این است که افراد بیسواد در مقصد آسان تر به مشاغل مورد نظر دست می یابند

علل و تعیین‌کننده‌های مهاجرت برگشتی در ایران ۱۹۷

و این در حالی است که افراد باسواد نمی‌توانند با هر نوع شغلی سازگاری پیدا کنند. از طرفی دستیابی به مسکن بهتر برای افراد باسواد نسبت به بیسوادان در درجه اهمیت کمتری برای بازگشت قرار دارد. آماره کای اسکویر بیانگر این است که وضعیت سواد مهاجران برگشتی که به دلایل مختلف به مبدا بازگشته‌اند متفاوت است و آماره فی و کرامر معنی دار بودن این تفاوت را نشان می‌دهد.

متغیر وضعیت زناشویی نشان می‌دهد، ۱۹٪ از افراد دارای همسر بدلیل اشتغال و ۲۲,۶٪ بدلیل دستیابی به مسکن، به محل تولد خود بازگشته‌اند. در میان افرادی که همسر خود را به دلیل فوت از دست داده‌اند، دستیابی به مسکن (۲۴,۴٪) و پیروی از خانوار (۲۵,۲٪) از درجه اهمیت بالاتری برای بازگشت برخوردار است. برای افراد مطلقه نیز دستیابی به مسکن، نسبت به عوامل دیگر، مهم تر قلمداد می‌گردد. آماره کای اسکوئر بیانگر این است که وضعیت زناشویی مهاجران برگشتی با توجه به علل بازگشت متفاوت است. این بدین معنی است که بازگشت افراد متاهل بدلیل اشتغال از افراد با وضعیت‌های زناشویی دیگر متفاوت است. آماره فی و کرامر نیز معنی دار بودن این تفاوت را نشان می‌دهد.

برای متغیر تعداد فرزندان آنچه واضح و مشهود است ارتباط و همبستگی مثبت بین تعداد فرزندان و بازگشت به دلیل دستیابی به مسکن است. به نظر می‌رسد برای خانواده‌های با فرزند بیشتر دغدغه تامین مسکن از اشتغال اهمیت بیشتری دارد. متغیر وضعیت شغلی بیان‌کننده این است که برای کارفرمایان، مهمترین عوامل بازگشت، دستیابی به مسکن (۲۵,۹٪) و اشتغال (۲۱,۸٪) است. ۲۳,۵٪ از کارکنان مستقل بدلیل اشتغال و ۲۶,۶٪ بدلیل مسکن بازگشته‌اند. برای مزدگیران بخش عمومی اشتغال و بخش خصوصی اشتغال دلیل اصلی بازگشت بوده است و برای کارفرمایان و کارکنان مستقل دستیابی به مسکن از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است. آماره های کای اسکویر و فی و کرامر نیز متفاوت بودن وضعیت‌های شغلی بر اساس علل بازگشت را تایید می‌کنند و بیان می‌کنند که این تفاوت معنی‌دار است. وانزو و گلدشایدر^۱ (۱۹۹۰) یاهیرون (۲۰۱۲) در مطالعه خود به این موضوع اشاره دارند که احتمال بازگشت افرادی

که از لحاظ شغلی در سطح پایین‌تری قرار دارند بیشتر از مهاجرینی است که از لحاظ شغلی در رده‌های بالاتری قرار دارند و این مورد با نتایج مطالعه حاضر همخوانی دارد.

جدول ۵ بیان‌کننده این موضوع است که تعداد افرادی که در رده‌های شغلی پایین‌تر قرار دارند، بیشتر به مبدا بازگشته‌اند و دلیل اصلی بازگشت آنان نیز موضوع اشتغال بوده است. یکی دیگر از متغیرهای مورد استفاده در جدول ۵، دوره‌های زندگی است. متغیرهای دوره‌های زندگی در چهار دوره، قبل از انقلاب، انقلاب و جنگ، سالهای ۱۳۶۶-۱۳۷۶ و ۱۳۷۷-۱۳۹۰ تقسیم‌بندی شده است. این تقسیم‌بندی می‌تواند تغییرات ساختاری، تأثیر شرایط مختلف اقتصادی و اجتماعی و نیز تغییر دولت‌ها را در مهاجرت‌های برگشتی مشخص نماید. متغیر دوره‌های زندگی بیان‌کننده این است که برای متولدین قبل از انقلاب و دوران انقلاب و جنگ، اشتغال و دستیابی به مسکن مهمترین عامل برای بازگشت بوده است در حالیکه برای متولدین ۱۳۶۶ به بعد پایان تحصیل/خدمت و پیروی از خانوار مهمتر بوده است. آماره کای اسکویر و فی و کرامرز در ارتباط با این متغیر بیانگر تفاوت در دوره‌های مختلف زندگی و علل بازگشت است و معنی دار بودن این تفاوت را نشان می‌دهند. افرادی که مربوط به دوره‌های گذشته‌تر می‌باشند با درصد بالاتری بدلیل اشتغال و مسکن به مبدا بازگشته‌اند. بالا بودن هزینه‌ها و پایین بودن سرمایه انسانی بویژه تحصیلات زمینه را برای بازگشت این طبقه فراهم نموده است و دو علت مسکن و اشتغال از این لحاظ برای این گروه برجسته‌تر است.

علل و تعیین‌کننده‌های مهاجرت برگشتی در ایران ۱۹۹

جدول ۵. توزیع نسبی علل بازگشت به مبدا براساس متغیرهای اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی (%)

اشتغال	تحصیل / دستیابی خدمت به مسکن	پیروی از خانوار	سایر	کل	آماره معنی داری
وضع سواد					
باسواد	۱۲,۳	۱۷,۷	۱۴,۸	۴۷,۵	۷,۷
بیسواد	۱۰,۷	۰,۶	۲۲,۸	۴۹,۹	۱۶,۰
وضع زناشویی					
دارای همسر	۱۹,۰	۶,۹	۲۲,۶	۴۱,۹	۹,۵
فوت همسر	۶,۵	۱,۵	۳۴,۴	۲۵,۲	۳۲,۴
طلاق	۸,۲	۳,۶	۲۱,۰	۱۶,۴	۵۰,۸
هرگز ازدواج نکرده	۴,۰	۳۷,۷	۵,۲	۴۸,۸	۴,۳
تعداد فرزندان					
یک فرزند	۴,۹	۱,۰	۹,۱	۷۶,۴	۸,۶
دو تا سه فرزند	۴,۴	۰,۵	۱۰,۱	۷۷,۲	۷,۹
۴ تا ۵ فرزند	۴,۰	۰,۳	۱۳,۰	۷۴,۳	۸,۵
۶ فرزند و بالاتر	۴,۰	۰,۰	۱۹,۵	۶۵,۷	۱۳,۱
وضع شغلی					
کارفرما	۳۱,۸	۱۳,۰	۳۵,۹	۹,۹	۹,۴
کارکن مستقل	۲۳,۵	۱۸,۵	۳۶,۶	۹,۶	۱۱,۹
مزدبگیر بخش عمومی	۴۰,۶	۱۴,۳	۲۰,۸	۱۷,۱	۷,۲
حقوق بگیر بخش خصوص	۲۵,۵	۲۸,۲	۲۴,۹	۱۲,۹	۸,۵
حقوق بگیر تعاونی	۱۰,۰	۲۰,۰	۲۰,۰	۴۰,۰	۱۰,۰
کارکن فامیلی بدون مزد	۲,۸	۷۷,۵	۱,۴	۱۵,۲	۳,۰
دوره های زندگی					
۱۳۵۷ و قبل	۲۲,۰	۱,۵	۲۸,۰	۳۴,۳	۱۴,۲
۱۳۵۸-۱۳۶۵	۱۷,۴	۱۸,۲	۱۷,۹	۳۸,۹	۷,۶
۱۳۶۶-۱۳۷۶	۴,۰	۳۶,۸	۶,۷	۴۷,۶	۵,۰
۱۳۷۷-۱۳۸۹	۰,۷	۱,۶	۲,۱	۹۲,۲	۳,۵

** . معنی‌داری در سطح ۰/۰۰۱ < P . * . معنی‌داری در سطح ۰/۰۵ < P < ۰/۰۱ .

در جدول ۶، نقش هر کدام از استانهای کشور در فرستادن و پذیرش مهاجران برگشتی نشان داده شده است. از میان استانهای فرستنده، استان تهران بیشترین نقش را در بازگشت

مهاجران داشته است. در مورد استان های دیگر می توان اینچنین بیان کرد که به استثناء استان گلستان و خراسان شمالی، بقیه استانها تنها در بازگشت مهاجران به یک استان نقش معنی دار و مهمی داشته اند. با نگاهی دقیق مشخص می گردد الگویی که می توان از جدول مورد نظر استخراج کرد بر این امر گواهی می دهد که بازگشت مهاجران معمولاً برای استان هایی انجام گرفته است که در همسایگی همدیگر قرار گرفته اند. ربانی و دیگران (۱۳۸۹) در مطالعه خود در مورد عوامل مهاجرت برگشتی بر این مورد تاکید می کنند که مهاجرت برگشتی با مسافت زیاد رابطه منفی دارد که با یافته های جدول ۶، همخوانی و هماهنگی دارد.

رابطه منفی بین مسافت و مهاجرت برگشتی را می توان به صورت دقیق تر در استان تهران مشاهده نمود. درصد مهاجران برگشتی استان هایی که فاصله نزدیکی تری به استان تهران دارند، نسبت به استان هایی مانند خوزستان، فارس، اصفهان کمتر است. بازگشت به استانهای شمالی از تهران را می توان علاوه بر مسافت کم به موضوع مسکن، آب و هوا نیز مرتبط دانست. در سه دهه اخیر استان آذربایجان شرقی بیشترین نقش را در مهاجر فرستی به استان تهران داشته است. شبکه های مهاجرت یکی از عوامل مهم در شکل گیری این مهاجرت بوده است که به نظر می رسد در بازگشت مهاجران نیز نقش اثرگذاری دارد. بازگشت مهاجران از خوزستان به استان اصفهان را با توجه به پیشینه مهاجرتی این دو استان و نیز نامساعد بودن وضعیت آب و هوایی خوزستان در سالهای اخیر تحلیل نمود.

علاوه بر این در حالت کلی می توان اینگونه بیان نمود که بازگشت مهاجران، به استان های مختلف از چند الگو پیروی می کند در ابتدا به مبدا هایی که در فاصله کوتاهی از مقصد اولیه قرار دارند. دوم بازگشت بیشتر در استان هایی است که برخورد یا نیمه برخورد دارند هستند (قرخلو و حبیبی، ۱۳۸۵). این بدین معنی است که مهاجران ترجیح می دهند در صورت برگشت به مکان هایی برگردند که زمینه برای اشتغال مجدد آنها فراهم گردد و نیز از لحاظ آب و هوایی نیز وضعیت مساعدتری داشته باشد. الگوی سوم به بازگشت از تهران اشاره دارد که می توان دلایلی مانند هزینه های بالای زندگی بویژه در بخش مسکن دانست.

۲۰۱ علل و تعیین‌کننده‌های مهاجرت برگشتی در ایران

جدول ۶. میزان تاثیرگذاری استان‌های مختلف در مهاجرت برگشتی کل کشور (٪)

تعداد	استانهای فرستنده مهاجران برگشتی														
	مازندران	آذربایجان غربی	خوزستان	فارس	کرمان	خراسان رضوی	اصفهان	سیستان و بلوچستان	یزد	سمنان	هرمزگان	تهران	قزوین	گلستان	لرستان
گیلان	۳,۲											۳۴,۰	۵,۷		۷۵۹
مازندران						۴,۱				۳,۹		۲۹,۸		۶,۲	۶۶۱
آشرفی		۱۱										۲۹,۲			۴۵۵
خوزستان							۱۱					۷,۶			۵۲۸
فارس				۴,۵	۳,۵				۷,۱		۶,۲	۶,۸			۸۲۲
خراسان رضوی								۶,۵				۱۸,۳	۳,۹	۴,۲	۱۳۹۰
اصفهان												۱۸,۲	۳,۹	۴,۲	۸۳۱

منبع: سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰

تعیین‌کننده‌های مهاجرت‌های اقتصادی مهاجران برگشتی سرپرست خانوار

باتوجه به داده‌های سرشماری، در یک تقسیم‌بندی مفهومی می‌توان دو نوع مهاجرت تبعی (پیروی از خانوار) و اقتصادی (جستجوی کار، جستجوی کار بهتر، انتقال شغلی و دسترسی به مسکن مناسب‌تر) را در جریان‌های مهاجرت داخلی ایران مهم تلقی نمود. این دو علت مهم با توجه به ماهیت متفاوت‌شان، در جهت دادن به جابجایی‌های جمعیت استان‌های کشور یقیناً تعیین‌کننده‌های جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی متفاوتی خواهند داشت. از آنجایی‌که سرپرست خانوار عامل اصلی تصمیم‌گیری در مهاجرت‌ها است و نیز مطالعه حاضر نیز بر جستجوی علل مهاجرت متمرکز است، تحلیل‌ها تنها بر سرپرستان خانوار محدود شده است.

باتوجه به این نتایج، در ادامه سعی بر این است تا تعیین‌کننده‌های مهاجرت‌های اقتصادی برای مهاجران برگشتی که سرپرست خانوار هستند، با تحلیل چند متغیره و استفاده از تکنیک رگرسیون لجستیک مورد بررسی قرار گیرد. متغیرهای مستقل عبارتند از: جنس (مرد/زن)، سن در زمان مهاجرت (زیر ۳۰ سال / ۳۰-۴۵ سال / بالای ۴۵ سال)، وضع سواد (بی‌سواد/باسواد)، سطح تحصیلات (ابتدایی و نهضت/راهنمایی و متوسطه/دانشگاهی)، جریان مهاجرت (درون شهرستانی/بین شهرستانی)، نوع مهاجرت با مبدأ و مقصد شهری و روستایی (روستا-روستا/روستا-شهر/شهر-روستا/شهر-شهر)، سطح توسعه‌یافتگی استان مبدأ

(برخوردار/ نیمه برخوردار/ محروم). متغیر وابسته (نوع مهاجرت) هم به صورت "سرپرست - های خانوار" (اقتصادی = ۱/ تبعی = ۰) وارد مدل رگرسیون شده است.

در مهاجرت‌های اقتصادی (جدول ۷) متغیر جنس به تنهایی ۱۸٪ از تغییرات متغیر نوع مهاجرت را تبیین می‌کند. احتمال مهاجرت اقتصادی مردان مهاجر سرپرست خانوار تقریباً شش برابر بیشتر از احتمال مهاجرت زنان است. سن مهاجران در زمان مهاجرت توانسته است ۳٪ تغییرات متغیر وابسته را تبیین نماید. احتمال مهاجرت اقتصادی سرپرست‌های جوان (زیر ۳۱ ساله - ها) ۱,۰۹ برابر و میان‌سالان (۳۱ الی ۴۵ ساله‌ها) ۱,۷ برابر احتمال مهاجرت سرپرست‌های مسن (همان بالای ۴۵ ساله‌ها) بوده است. بنابراین، شانس مهاجرت اقتصادی افراد میان سال از همه بیشتر است. متغیر سطح تحصیلات بیان‌کننده این موضوع است که مهاجرت برگشتی برای افراد با سطح تحصیلات ابتدایی و نهضت ۲,۳ برابر افراد دانشگاهی است. این بدین معنی است که افرادی که از سرمایه انسانی کمتری برخوردار هستند، احتمال بازگشت آنها به مبدا یا محل تولد بیشتر است. این یافته با نتایج مطالعه یاهیرون (۲۰۱۴) که بیان می‌کند، مهاجرانی که به صورت منفی انتخاب شده اند یعنی دارای سطح تحصیلات پایین تری نسبت به مهاجران دیگر هستند بیشتر است، همخوانی دارد.

نوع مهاجرت، جریان مهاجرت و توسعه یافتگی در بازگشت مهاجران به مبدا تاثیر معنی داری نداشته و از مدل حذف گردیدند. به نظر می‌رسد متغیر جریان مهاجرت بیان‌کننده این مساله است که احتمال بازگشت مهاجران درون شهرستانی از بین شهرستانی ۱,۱ برابر بیشتر است. همچنین متغیر میزان توسعه یافتگی بیان‌کننده این موضوع است که احتمال بازگشت مهاجران از مناطق برخوردار ۱,۲ برابر و از مناطق نیمه برخوردار ۰,۹۷ برابر بیشتر از مناطق محروم است. دراین رابطه می‌توان به دو مساله رکود اقتصادی و رونق اقتصادی اشاره داشت. راغفر و دیگران (۱۳۹۲) به این مساله اشاره دارند که در دوران رکود اقتصادی رفتارهای اجتماعی و جمعیتی تغییر می‌یابد. در دوران رکود اقتصادی، مهاجرت‌های رو به جلو، می‌تواند با مهاجرت‌های برگشتی جایگزین گردد.

نیوبولد و سید (۱۹۹۴) نیز این دو مفهوم و تاثیرگذاری آنان در مهاجرت‌های برگشتی را مورد توجه قرار داده اند که می‌تواند نتایج حاصل از این مطالعه در رابطه با متغیر سطح توسعه یافتگی را نیز بر این اساس مورد تحلیل قرار داد. مدل پنج، به عنوان مدل نهایی، ۲۷٪ از تغییرات مهاجرت‌های اقتصادی مهاجران برگشتی سرپرست خانوار را تبیین می‌کند.

علل و تعیین‌کننده‌های مهاجرت برگشتی در ایران ۲۰۳

جدول ۷. پیش‌بینی کننده‌های احتمال مهاجرت اقتصادی مهاجران برگشتی سرپرست‌های خانوار. ۱۳۹۰

متغیرها	مقوله‌ها	نسبت بخت‌ها (Exp(B))				
		مدل ۱	مدل ۲	مدل ۳	مدل ۴	مدل ۵
جنس	مرد زن (مرجع)	۵,۶۲**	۵,۲۵**	۴,۶۸**	۴,۱۳**	۴,۰۸**
سن در زمان مهاجرت	<۳۰ ۳۰ - ۴۵ > ۴۵ (مرجع)		۱,۹** ۲,۷**	۱,۸** ۲,۶**	۱,۷** ۲,۶**	۱,۷** ۲,۶**
تحصیلات	ابتدایی و نهضت راهنمایی و متوسطه دانشگاهی (مرجع)			۲,۳** ۱,۱**	۲,۳** ۱,۱**	۲,۳** ۱,۱**
جریان مهاجرت	درون شهرستانی بین شهرستانی (مرجع)				۱,۱*	۱,۱*
سطح توسعه یافتگی مقصد	برخوردار نیمه برخوردار محروم (مرجع)					۱/۲** ۰/۹۷
ضریب تعیین		۰/۱۸	۰/۲۱	۰/۲۲	۰/۲۴	۰/۲۷

** معنی‌داری در سطح ۰/۰۰۱ < P. * معنی‌داری در سطح ۰/۰۵ < P < ۰/۰۱

بحث و نتیجه‌گیری

مهاجرت برگشتی یکی از اشکال و الگوهای مهاجرت است که از دهه ۱۹۶۰ به بعد ذهن اندیشمندان حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی و اقتصادی را به خود مشغول کرده است. بررسی مطالعات انجام شده در این حوزه بیانگر این مساله است که چه در داخل و چه در خارج از کشور این موضوع کمتر مورد توجه قرار گرفته است که عدم وجود داده‌های کافی و مناسب و نیز نحوه اندازه‌گیری و سنجش این الگوی مهاجرتی، خود بر شکل‌گیری بیشتر مطالعات در حوزه افزوده است. آنچه مطالعه حاضر دنبال آن بوده، مشخص نمودن مهاجران برگشتی در ایران بر اساس داده‌های ارائه شده توسط مرکز آمار ایران (داده‌های ۲٪ ارائه شده توسط این مرکز) و نیز شناخت ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی این گروه از مهاجران و همچنین عوامل موثر در بازگشت آنان است.

داده‌های ۲٪ مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که بر اساس سرشماری ۱۳۹۰، از میان ۶۲۱۴۶ مهاجر که بیان نموده‌اند که در پنج سال قبل از سرشماری ۱۳۹۰ محل اقامت خود را تغییر داده‌اند، ۱۹۸۹۸ نفر به محل تولد خود بازگشته‌اند، که این تعداد به عنوان مهاجر برگشتی تعریف گردیده است. بنابراین، می‌توان بیان کرد که سهم مهاجران برگشتی از کل مهاجران ۳۲٪

بوده است. یافته های تحقیق بیانگر این موضوع است که ۱۱٪ از مهاجران برگشتی بدلیل اشتغال و ۱۳٪ بدیلی دستیابی به مسکن مناسب تر به محل تولد خود بازگشته اند. اهمیت بالاتر مسکن در بازگشت را می توان به عدم تطابق درآمد افراد با هزینه مسکن مرتبط دانست که این موضوع در شهرهایی مانند تهران واضح تر است. پایین تر بودن درصد مهاجرت ها بدلیل اشتغال نشان دهنده این است که افراد با وجود داشتن شغل، به مکان قبلی باز می گردند زیرا که شغل مورد نظر و درآمد حاصل از آن نتوانسته هزینه هایی مانند مسکن را پوشش دهد. موضوعی که در رویکرد اقتصاد نئوکلاسیک به مهاجرت برگشتی به وضوح به آن اشاره شده است. این رویکرد تئوریک بیان می کند، مهاجرت برگشتی نتیجه یک تجربه ناموفق اقامتی است که مهاجر نتوانسته منافع مورد انتظار خود را در مقصد به دست آورد و از اینرو به محل تولد (محل اولیه) باز می گردد. در این چارچوب تحلیلی، بازگشت افراد بر اساس تجربه مهاجرتی ناموفق در زمینه درآمد مورد انتظار، شغل و البته مسکن و استمرار این وضعیت تبیین می گردد. نتایج مطالعه در ارتباط با بازگشت به علت دستیابی به مسکن بهتر در تمامی طبقات شغلی مختلف (کارفرما، کارکن مستقل، مزد بگیر بخش خصوصی و ...) مشاهده می گردد و در مشاغل بالاتر بیشتر به چشم می خورد. انتظارات بالاتر از وضعیت مسکن در طبقات شغلی بالا را می توان از دلایل این موضوع برشمرد.

تحلیل نتیجه رگرسیون لجستیک نشان می دهد که احتمال بازگشت مردان ۵ برابر زنان است و این مورد با قوانین نه گانه راونشتیان^۱ (۱۸۸۵) که احتمال مهاجرت مردان از زنان بیشتر است صدق می کند و بیان می کند که این قانون در مهاجرت برگشتی نیز صادق است. همچنین احتمال بازگشت افراد در سنین ۳۰-۴۵ سالگی نسبت به سنین دیگر بارزتر است. مسایلی مانند اشتغال، پایان تحصیلات، و مهمتر از همه دستیابی به مسکن بهتر در این دوره از زندگی، نسبت به دوره های دیگر مهمتر است و عدم رضایت از این موارد زمینه را برای بازگشت افراد فراهم می کند.

در رویکرد اقتصاد جدید، به موضوع مهاجرت برگشتی به این صورت می نگرد که مهاجران در مقصد به اهداف مورد نظر خود یعنی دستیابی به درآمد بالاتر، اشتغال دست یافته اند و وجوه ارسالی آنان به مبدا نشان دهنده هدفمند بودن این استراتژی بوده است. این وجوه

1- Ravenstein.E

علل و تعیین‌کننده‌های مهاجرت برگشتی در ایران ۲۰۵

ارسالی برخی کمبودها مانند عدم بازار کار در مبدا را جبران کرده است و زمینه را برای بازگشت مهاجر فراهم می‌کند. نتایج حاصل از رگرسیون لجستیک نشان می‌دهد که بازگشت افراد به مناطق برخوردار ۱,۲ برابر بیشتر از بازگشت به مناطق محروم بوده است و این موضوع در ارتباط با بازگشت به مناطق نیمه برخوردار نیز با شدت کمتر، دیده می‌شود. این موضوع بیانگر این است که بازگشت افراد به مناطقی است که دارای سطح توسعه قابل توجهی هستند و زمینه برای اشتغال دوباره و داشتن درآمد مورد انتظار برای آنان فراهم است. این بدین معنی است که تئوری اقتصاد جدید نمی‌تواند بدرستی مهاجرت‌های برگشتی در ایران را مورد تحلیل قرار دارد زیرا الگوی بازگشت (بازگشت تنها در مناطقی رخ داده که دارای سطح معقولی از توسعه بوده‌اند) با الگوی مورد نظر این رویکرد همخوانی ندارد.

رویکرد ساختاری به مهاجرت برگشتی، که بازگشت را با توجه به عوامل اجتماعی و نهادهای جامعه مبدا تجزیه و تحلیل می‌کند و نیز رویکرد فرامنطقه‌ای که به پیوندهای اقتصادی و اجتماعی بین مبدا و مقصد در بازگشت و میزان تاثیر آن اشاره دارد، با توجه به داده‌های مورد نظر نمی‌تواند مهاجرت برگشتی در ایران را مورد تحلیل قرار دهد. استفاده از این دو رویکرد نیازمند داشتن اطلاعاتی در زمینه میزان ادغام در مقصد و نیز میزان رفت و آمدها بین مبدا و مقصد است که امکان محاسبه آن بر اساس داده‌های در دسترس (داده‌های ۲٪ مرکز آمار ایران) فراهم نبود.

در مجموع می‌توان اشاره کرد که مهاجران با توجه به اینکه ریسک‌های ترک سرزمین مادری را پشت سر گذاشته‌اند، در نتیجه احتمال بیشتری دارد که بعد از این نیز اقدام به مهاجرت به مناطق دیگری نمایند. بازگشت به مبدأ محتمل‌ترین تصمیم به جابه‌جایی محل سکونت برای مهاجران می‌تواند باشد. نتایج این مطالعه نشان داد یک سوم مهاجران سرزمین مادری خود را برای مقصد مهاجرت خود انتخاب نموده‌اند. در شکل‌گیری این نوع جریان مهاجرت برخی ویژگی‌ها و شرایط ساختاری همانند استان محل سکونت، قیمت مسکن، وضع بازار کار و اشتغال، سطح توسعه‌یافتگی مبدأ، روستا و شهر بودن مبدأ، وضعیت اقتصادی، معیشتی و رفاهی در مبدأ موثر است و نیز برخی متغیرهای جمعیت‌شناختی همانند جنس، سن، تحصیلات، شغل و وضع زناشویی افراد. بنابراین، مهاجران به‌ویژه مهاجران برگشتی سعی می‌کنند از جریان مهاجرتی برای به حداکثر رساندن موقعیت مالی، معیشت اقتصادی، سطح رفاهی

و امنیت و آرامش روحی و روانی خود استفاده نمایند. استفاده از این موقعیت جابجایی باتوجه به ویژگی‌های جمعیت‌شناختی افراد متفاوت است. پس، در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی برای جابه‌جایی جمعیت و تراکم مناسب جمعیت (آمایش جمعیت) می‌توان این پتانسیل موجود در جریان مهاجرت برگشتی را مدنظر قرار داده و به این ویژگی‌های ساختاری و جمعیت‌شناختی در شکل‌دهی مهاجران برگشتی توجه نمود.

منابع

- قاسمی‌اردهایی، علی (۱۳۸۷). *جریان‌های مهاجرت داخلی و ویژگی‌های مهاجران به تفکیک استان*، تهران: مرکز آمار ایران، پژوهشکده آمار.
- راغفر، حسین و علی قاسمی‌اردهایی (۱۳۸۸)، *علل مهاجرت و ویژگی‌های جمعیتی-اقتصادی مهاجران بین شهرستانی: بررسی تطبیقی مهاجران شهر به روستا و روستا به شهر ایرانی طی دهه ۱۳۷۵-۱۳۸۵*، نامه/انجمن جمعیت‌شناسی/ایران، سال چهارم، شماره ۸، صص ۶۱-۳۹.
- ربانی، رسول، زهرا طاهری، زهرا روستا (۱۳۹۰)، *بررسی علل انگیزه‌های مهاجرت معکوس و تأثیر آن بر توسعه اقتصادی و اجتماعی (نمونه مهاجران شهرهای تنکابن و رامسر)*، مجله پژوهش و برنامه-ریزی شهری، سال دوم، شماره ۵، صص ۱۰۸-۸۳.
- زنجان، حبیب الله (۱۳۷۸)، *تحلیل جمعیت‌شناختی*، چاپ دوم، انتشارات سمت، تهران.
- ظاهری، محمد (۱۳۹۰)، *تحلیلی بر تأثیرات متقابل فضایی کلانشهر تبریز و روستاهای خوابگاهی پیرامون با تأکید بر مهاجرت معکوس و عوامل تأثیر گذار آن، تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۱۰۲، صص ۱۸۸-۱۶۹.
- مطیعی‌لنگرودی، سیدحسن، مجتبی قدیری معصوم، محمدرضا رضوانی، عبدالحمید نظری، بهمن صحنه (۱۳۹۰)، *تأثیر بازگشت مهاجران به روستاها در بهبود معیشت ساکنان؛ مطالعه موردی شهرستان آق‌قلا*، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۸، صص ۸۳-۶۷.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). *نتایج تفصیلی سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰*، مرکز آمار ایران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). *داده‌های خام ۲ درصد سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰*، مرکز آمار ایران.

- Agadjanian, V., E. Gorina and C. Menjvar (2014). Economic Incorporation, Civil Inclusion, and Social Ties: Plans to Return Home Among Central Asian Migrant Women in Moscow, Russia, *International Migration Review*, 48(3): 577-603
- Anniste, K and T. Tammaru (2014). Ethnic Differences in Integration levels and Return Migration Intentions: A study of Estonian Migrants in Finland, *Demographic Research*, 30, Pp. 377-412
- Berry, B. (1979). *The Counter Urbanization Process, Urbanization and Counter Urbanization*, Sage publications, Beverly Hills.
- Cassarino, J.P. (2004). *Theorising Return Migration: The Conceptual*

- Approach to Return Migrants Revisited, *International Journal on Multicultural Societies*, 6(2): 253-279.
- Cerase, F.P. (1974). Expectations and Reality: a Case Study of Return Migration from the United States to Southern Italy, *International Migration Review* 8(26): 245-62.
- Constant, A and D. S. Messey (2002). Return Migration by German Geustworker: Neoclassical versus New Economic Theories, *International Migration*, 40(4):245-262.
- Dusmann, C. h and Y. Weiss (2007). Return Migration: Theory and Emprical Evidence from the UK, *British Journal of Industrial Relations*, 45(2): 236-256.
- Kulu, H. (2012). Ethnic Return Migration: An Estonian Case, *International Migration* 36(3):313-336.
- Kuscu, J. (2014). Ethnic Return Migration and Public Debate: The Case of Kazakhstan, *International Migration* 52(2): 178-197.
- Mangalam, J. J. (1968). *Human Migration: A Guide to Migration Literature in English 1955-1962*, University of Guelph, Canada.
- Martin, R. and D. Radu (2012). Return Migration: The experience of Eastern Europe, *International Migration* 50(2): 109-128.
- Newbold, K. B and K. L. Liaw (1994). Return and Onward Interprovincial Migration through Economic Boom and Bust in Canada from 1976-81 to 1981-86, *Geographical Analysis* 26(3): 228-245.
- Okali, D., E. Okpara, and J. Olawoye (2001). The Case of Aba and its Region, Southeastern Nigeria, *Working Paper Series on Rural-Urban Interactions and Livelihood Strategies*, Human Settlements Programmed IIED, London.
- Portes, A (1999). The Study of Transnationalism Pitfalls and Promise of an Emergent Research Field, *Ethnic and Racial Studies*, 22(2): 217-37.
- Ravenstein, E. G. (1885). On the Laws of Migration, *Journal the Royal Statistical Society* 48(2):167-235.
- Stark, O. (1996). *On the Microeconomics of Return Migration*, Center for International and Interdisciplinary Studies, University of Vienna.
- Todaro, M. P. (1969). A Model of Labor Migration and Urban Unemployment in Less Developed Countries, *American Economic Review* 59, Pp. 138-148.

علل و تعیین‌کننده‌های مهاجرت برگشتی در ایران ۲۰۹

Thomas.K.J (2012). The Human Capital Characteristics and Household Living Standards of Returning International Migrants in Eastern and Southern Africa, *International Migration* 50(4): 85-106.

Yahirun,J. (2014). Take Me “Home”: Return Migration among Germany’s Older Immigrants, *International Migration* 52(5): 231-254.